

آینه

کیمیا

دورهمی عاملان گرانی
تکرارجی‌ها چه خواب تاز‌ها زای دیده‌اند؟
● تعدادی از اعضای فراکسیون امید مجلس روز دوشنبه به دیدار رئیس دولت اصلاحات رفتند. شخصیتی که در فتنه ۸۸ نقش اساسی ایفا کرده و از سوی دیگر و در سایه لطف جمهوری اسلامی با آزادی به ایفای نقش پرداخته و از مسببان وضعیت کنونی کشور است. نمایندگان عضو فراکسیون امید خود را مدیون خاتمی می‌دانند نه مردم... دیدار نمایندگان با خاتمی فارغ از اینکه عضو کدام فراکسیون مجلس شورای اسلامی باشند با مسئولیت آنان در جمهوری اسلامی سازگار نیست چراکه خاتمی نقش فعالی در فتنه ۸۸ داشته و اکنون نیز با کرامت و رفت اسلامی نظام آزاد است... مدعیان اصلاحات به‌خوبی می‌دانند که نقش مهمی در پیروزی دولت کنونی و تداوم آن تاکنون داشته‌اند، این نقش ایجاب می‌کند که پاسخ‌گوی عملکرد دولت نیز باشند و بگویند چرا قیمت گوشت به بالای صد هزار تومان و پراید نیز ۵۰ میلیون تومان را رد کرده است؟!



اخراج دیپلمات‌های هلندی
اقدامی شایسته اما دیر هنگام
● **حسن رشوند:** به‌دنبال رفتار غیرمسئولانه چندی پیش دولت هلند مبنی بر اخراج دو دیپلمات سفارت جمهوری اسلامی ایران از هلند به اتهام قتل محمد رضا صمدی معروف به کلاهی، عامل انفجار حزب جمهوری اسلامی در هفتم تیر ۱۳۶۰، دو دیپلمات سفارت هلند در تهران در چارچوب عمل متقابل، عنصر نامطلوب شناخته شده و از آنها خواسته شد در تاریخ‌های ۱۲ و ۱۳ اسفند خاک کشورمان را ترک کنند. هرچند نوع بیان وزیر امور خارجه جای نقد دارد چراکه ظریف گفت: این موضوع در دستور کار دستگاه‌های کشور بوده و بر اساس تصمیمی که به وزارت خارجه ابلاغ شد ما دو نفر از دیپلمات‌های هلند را در واکنش به اخراج غیرقانونی دیپلمات‌هایمان اخراج کردیم... وقتی وزیر محترم خارجه کشورمان به‌دنبال عدم اطلاع از سفر بشار اسد به تهران با این بهانه استعفا می‌دهد که جایگاه وزارت خارجه مورد خدشه قرار گرفته است، چگونه نمی‌تواند پس از حدود یک ماه از اخراج دو دیپلمات کشورمان از هلند تصمیم بگیرد و منتظر تصمیم مرجع دیگر می‌ماند تا احیاناً مقابله به مثل کرده باشد.

آفتاب

دختر وزیر سابق را دیدند
زنگنه و جهرمی را ندیدند؟!
● تخریب حدود هزار متر از ویلای دوهزار متری دختر وزیر سابق با حکم قضائی یک خبر ناب برای روزهای اخیر برای رسانه‌ها به‌شمار می‌آمد... اگرچه تلویزیون این روزها با ماجرای تخریب ویلای دختر نعمت‌زاده، سعی در القای عمق بی‌کفایتی وزرای دولت را دارد، اما به این نکته نمی‌پردازد که در همین دولت هم وزرایی بودند که علناً برای ایستادگی در برابر فسادها هرچه در توانشان بود انجام دادند... زنگنه وزیر نفت است؛ کسی که برای نخستین بار پرده از جزئیات فساد بایک زنجبانی برداشت... او بود که از هزینه‌های بی‌نمر ۳۰ میلیاردی در پارس جنوبی برای پیمانکاران داخلی، از پشت پرده قرارداد شرکت‌های صدرا و سایر شرکت‌های قراردادهای، از جزئیات انعقاد قرارداد ۳۰ کدل نفتی در دولت دهم گفت و ماجرای دکل‌های نفتی گم‌شده را افشا کرد و اظهار داشت انعقاد قرارداد تمامی این دکل‌ها توسط یک فرد انجام شده است...

شب‌نم قبادیان‌نیا: «برای صلح ملی چه باید کرد؟»، عنوان نشست بود که به همت گروه صلح انجمن جامعه‌شناسی ایران، روز سه‌شنبه در خانه گفتمان شهر برگزار شد. صادق زیباکلام، الهه کولایی، احمد زیدآبادی و احمد بخارایی سخنران این نشست بودند.

سخنران اول این جلسه صادق زیباکلام، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، بود. او سخنرانی خود را با طرح این پرسش که چرا جنگ قداست خود را در غرب از دست داده است، آغاز کرد و گفت: «ما جنگ یا دست‌کم جنگ با عراق را امر مقدسی می‌دانستیم و همچنان می‌دانیم. البته نه به معنای مذهبی آن؛ بلکه جنگ امری معتبر و قابل احترام است». زیباکلام از تغییر نگرش به جنگ در غرب در جنگ جهانی اول و دوم بعد از این جنگ‌ها حرف زد و افزود: «غرب در قرن بیستم به این نتیجه رسید که وارد دوره جدیدی شده است که تعاملات اجتماعی در آن براساس خرد جمعی و تفکر است و نه مذهب و کلیسا». او به فجاج جنگ جهانی دوم اشاره کرد و گفت: «بعد از این جنگ نهضت‌های قوی علیه خشونت به وجود آمد و افراد توانستند قاطعانه مقابل حکومت‌ها بایستند و نجنگند. من معتقدم که جنگ‌سئیزی وارد جامعه ما نیز خواهد شد. آنچه در غرب اتفاق افتاد و جنگ جایگاه مقدس خود را از دست داد و به جایی رسید که می‌توان با جنگ و جنگیدن مخالفت کرد، به جامعه ما هم خواهد رسید؛ مانند بسیاری از چیزهایی که از غرب به ما رسید». او به نشستی که در چند سال گذشته در آن حضور داشت، اشاره کرد و گفت: «یکی از سخنران‌ها این سؤال را مطرح کرد که می‌شد جلوی جنگ با عراق را گرفت یا نه؛ که

مرکز همایش‌های بین‌المللی کتابخانه ملی جایی برای نشستن ندارد؛ همه صندلی‌های زرشکی‌رنگ این سالن در روزهای آخر زمستان، میهمان‌های جوان، میانسال و پیرانی را در بر کشیده و خیلی‌ها مانند استاد محمدرضا شفیعی‌دککنی باید ایستاده به سخنران‌های یکی از شب‌های بخارا با عنوان «مسافر گفت‌وگو» گوش دهند؛ این عنوان نشستی است که با همکاری مجله بخارا و کتابخانه ملی برگزار می‌شود با نام «شب هادی خانیکی».
تواضع فکری دریچه‌ای به جهان گفت‌وگو
مصطفی ملکیان در این نشست درباره ویژگی‌های خانیکی گفت: شخصیت خانیکی ویژگی‌هایی دارد که بساط گفت‌وگو را می‌گستراند. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: اولین ویژگی تواضع اوست؛ این تواضع نه تواضع رفتاری بلکه تواضع فکری و ذهنی است، یعنی فرد خود را حق مسلم نداند و مخالفان را باطل مطلق نشمارد؛ یعنی هم فرد و هم مخالف او، مجموعه‌ای از حق و باطل هستند. ممکن است درصد باطل‌بودن و حق‌بودن مخالفان فرق کند، ولی انسان متواضع می‌گوید ممکن است درصد حقیقت من کمتر از مخالفان باشد. این تواضع در جامعه کم است، ولی تواضع رفتاری به حد افراط در جامعه دیده می‌شود. تواضع فکری مشکل فرهنگی اول ماست؛ این در هیچ‌کدام از ما بیاوشاید نیست. همه ما برای خود حقاقت قائل هستیم و برای مخالفان حداقل آن را، هرگز احتمال نمی‌دهیم. مخالفان ما حقانیت بیشتری از ما داشته باشند. در رفتار دکتر خانیکی همیشه یک تواضع، سوگیری پذیرنده نسبت به حقیقت از زبان و قلم هرکسی دیده می‌شود. او ویژگی دوم دکتر خانیکی را چنین بیان می‌کند: خانیکی به ذات و طبیعت انسان خوش‌بین است. او دیدی مثبت به طبیعت دارد. کسانی معتقد به گفت‌وگو هستند که طبیعت انسان را حق‌طلب بدانند و نوعی حق‌طلبی و کمال‌دوستی داشته باشند. خوش‌بینی نسبت به ذات و طبیعت آدمی است و هم‌گرای نه واگرایی. این خوش‌بینی به طبیعت و سرشت و امیدواری نسبت به باهم کنارآمدن در خانیکی وجود دارد. ویژگی سوم خانیکی از زبان ملکیان این‌چنین است: کسانی که اهل گفت‌وگو هستند، هر کاری را برای بسط گفت‌وگو در شان خود می‌دانند. کسی که به آرمانی معتقد است، هر کاری که از دستش ساخته باشد، انجام می‌دهد و خام ایده خود است. خانیکی حاضر است هر کاری که از دستش برمی‌آید برای گفت‌وگو انجام دهد تا گفت‌وگویی شکل بگیرد و کسانی کنار هم بنشینند. او اهل اعتدال در معنای درست کلمه است.

سیاست

برای صلح ملی چه باید کرد

در نهایت پاسخ این بود که اگر هم ممکن بود، ما تلاشی نکردیم تا مانع جنگ شویم. زیباکلام در پایان سخنانش ابراز امیدواری کرد تا سازمان‌های مردم‌نهادی به وجود بیاید که هدفشان مبارزه با جنگ باشد و این را مطرح کنند که جنگ پدیده نامبارکی است.

مسائل باید از درون خانواده حل شود

بعد از صادق زیباکلام الهه کولایی، استاد دانشگاه تهران، به سخنرانی پرداخت. کولایی جهانی شدن ارزش‌ها را به‌عنوان یک واقعیت جهانی مطرح کرد و گفت:« باید هر پدیده را در ظرف زمانی و مکانی و تاریخی خود در نظر گرفت و تعمیم در سطح نظام بین‌المللی اگرچه امری پسندیده است؛ اما فراتر از این آرزو و آمال جنبه عملیاتی و اجرایی‌کردن این ارزش‌ها است». او به تفاوت تاریخ-فرهنگ و حافظه سیاسی و تاریخی ملت‌های گوناگون تأکید کرد و افزود: «در سطح مسائل اجتماعی باید دید همه‌جانبه و چندلایه و عمیق داشته باشیم... در صلح‌طلبی باید به ریشه‌های اجتماعی آن بپردازیم و ریشه‌های مشکلات را بشناسیم». او به مسائل زنان و خانواده اشاره کرد و مثال‌هایی از طلاق و خشونت علیه زنان و آموزش در خانواده در گذشته و امروز آورد و گفت: «مسائل باید از درون خانواده حل شود... در طر افرادان مدارا و صلح باید توجه خود را به درون خانواده‌ها متمرکز نکنیم. انسان‌هایی که از درون خانواده با آموزش بیاموزند، رعایت حقوق خود و دیگران را می‌آموزند و در روابط اجتماعی هم آن را رعایت می‌کنند». نقش نظام آموزشی رسمی و غیررسمی و سازمان‌های

شی‌ی از شب‌های بخارا برای بزرگداشت هادی خانیکی

گفتن از مسافر گفت‌وگو

لیلا ابراهیمیان



بهار

بهار

مجاهد که باهم دیالوگی داشتیم، همدلی و همسویی داشتیم، اگرچه در متدولوژی باهم اختلاف داشتیم. ما می‌گفتیم تقلیل تمام بحران به سیاست و فقط تغییر حکومت حلال همه مشکلات نیست. اساس مشکلات ما ساختاری- فرهنگی است و این تفاوت اختلاف نگاه دکتر شریعتی با مجاهدین بود». شریعتی در دوره دوم خانیکی را شخصیتی اصلاح‌طلب و استراتژیست معرفی می‌کند که با اصلاح‌طلب‌ها هم دیالوگ انتقادی داشته است. اصلاحات باید ساختاری، بنیادی و اساسی باشد، وگرنه سازش‌کار می‌شود. به گفته شریعتی، وجه مهم خانیکی حضور او در میان دانشگاه، جامعه و رسانه است؛ «با او در اینجا هم اختلاف‌نظر هست و آن اینکه دیالوگ با ویژگی هابرماسی حلال مشکلات نیست. ما تا مخاطره نکنیم و حریف توان ما را نشناسد، با ما گفت‌وگو نمی‌کند. اگر ما وزن نداشته باشیم، حریف با ما گفت‌وگو نمی‌کند. تنازع قوا و مبارزه یکی از راه‌های گفت‌وگو با حریف است». در ادامه خانیکی را از شخصیت‌هایی معرفی می‌کند که مورد اعتماد دولت، قدرت و جامعه آکادمیک است و باید از او به‌عنوان سرمایه نمایین استفاده کرد؛ «میانجی‌هایی که در راه‌حل بحران‌های اجتماعی جامعه را یاری کنند، تا در نهایت طرح تازه‌ای برای دوستی بیفکند که دوستی اساس سیاست است». شریعتی معتقد است باید تعریف تازه‌ای از دوستی و دشمنی درآفکنیم؛ چراکه دوستی الان با تعبیر جنسیت، نژاد و ایدئولوژی آمیخته است. باید روش جدیدی در پیش گرفت و در این راه باید کسانی مثل خانیکی به‌عنوان سرمایه نمایین، به جامعه یاری دهند.

بازسازی جهان مشترک از دست‌رفته
بعداز آن نوبت به محمدجواد غلام‌زاکاشی می‌رسد که گفته‌های خود را در سه فراز درباره خانیکی شروع کند: روشنفکرها او را حکومتی می‌خوانند و زخم‌زبان می‌زنند. حکومتی است؟ حکومتی هم او را روشنفکر و دانشگاهی می‌خوانند. در جلسات مشاوره با وزرا و رئیس‌جمهور حاضر است، در میزگردهایی با چهره‌های گاه میانه یا حتی راست حاضر شده است. در محافل ملی-مذهبی حاضر می‌شود. در دفتر بنیاد شریعتی رفت‌وآمد دارد. همه‌جا هست و در همه‌جا خودی است. معلوم نیست دقیقاً چه نامی دارد. اصلاح‌طلب است؛ اما هیچ‌وقت با گذشته خود تسویه‌حساب نکرده است. به دوستان چریک پیش از انقلابش به دیده احترام می‌نگرد. از انقلاب به‌شدت دفاع می‌کند. اصلاح‌طلب شناخته‌شده‌ای است. از مشاوران اصلی محمد خاتمی رفیق و یار غار دکتر سروش بوده است، اما هیچ‌وقت یک ذره هم از عمق اعتقادش به دکتر شریعتی نکاسته است. بالاخره نفهمیدم میان روایت انقلابی دکتر شریعتی از اسلام و نقد عبدالکریم سروش و مصطفی ملکیان به

مردمنهاد بر امر آموزش مدارا و صلح‌طلبی هم نکاتی بود که کولایی در پایان سخنانش به آنها تأکید کرد.

احمد زیدآبادی سومین سخنران این نشست بود. آغاز سخنرانی او با نقد عنوان نشست آغاز شد. زیدآبادی عنوان «برای صلح ملی چه می‌توان کرد» را مناسب‌تر دانست و گفت: «برای یک زمینه سیاسی- اجتماعی که بیان مشکلات و محدودیت‌ها است، چه گامی می‌توانید بردارید. در اینکه چه می‌توان کرد، در بین ما ایرانی‌ها اجماعی وجود ندارد. مشکلات بسیاری در حوزه صلح وجود دارد که می‌توان مطرح کرد، مشکلات عینی و ملموس است و دیگر مثل گذشته امکان کتمان و نپذیرفتن آن وجود ندارد و در واقع اوضاع بدتر از آن است که مشکل را از ریشه حل کنیم». او از جریان‌های سیاسی داخل کشور مانند اصولگرایان و اصلاح‌طلبان و ایوزیسیون‌های خارج از کشور و علت مشکلات از نظر این جریان‌ها گفت. زیدآبادی نقش مهم سازمان‌های مردم‌نهاد در هنگام وقوع مشکلات و بحران‌ها را بیان کرد و گفت: «متأسفانه سازمان‌های ناآگرماد وجود دارد که صرفاً بگویند هست». در آخر احمد بخارایی به سخنرانی در حوزه جامعه‌شناسی و اقتصادی پرداخت. او از خرده‌نظام‌ها، ساختار و بحران‌ها سخن گفت و بحث آشتی ملی را مطرح کرد. از نظر او برای حل بحران‌ها نیاز به شرایط ویژه و خاصی خواهیم داشت. او گفت: «با سه اعتبار می‌توان پاسخ این را که چه باید کرد، داد: زمان، سطح تحلیل واحد و معطوف به اراده‌بودن یا معطوف به پیش‌بینی‌بودن پاسخ این سؤال».

فهمیدن دیالوژیک از دین، کجا می‌ایستد. نمی‌دانم چطور از روایت دکتر شریعتی، اصلاح‌طلبی استخراج می‌کند. انگار نه انگار که وقت تسویه‌حساب است. او با هیچ چیز تسویه‌حساب نمی‌کند از هیچ چیز توبه نمی‌کند. به جای حضور در نام‌ها، در فاصله میان نام‌ها حاضر است. بیشتر ساکن مرزهاست.

او می‌گوید: دراین‌میان هادی خانیکی نه روشنفکر است، نه سیاست‌مدار، نه آکادمیسین و نه هیچ نام شناخته‌شده دیگری. جعبه جادویی دارد و با آن در میان ویرانه‌ها می‌چرخد و تلاش می‌کند جهان مشترک جدیدی بیافریند. در جعبه جادوی هادی خانیکی نه کلام، نه سخنان مططن، بلکه تنها طنز و گفت‌وگوست. طنز هادی خانیکی به کار ویژگی‌های ریاضی ساختاری جهان بی‌بنیاد ما می‌آید. هنگامی‌که دانشگاه چریکبه است و فضای سیاسی پرمدها و اخلاق ترازو در دست و عبوس ازراه‌رسیده، طنزش ناخواسته گل می‌کند. خندش روایتگر چتته‌های خالی است، نشان‌دهنده آنکه همه در حال ایفای نقش‌اند. او قادر است با طنز خود، سویه آلوده به نفاق هر یک را پدیدار کند؛ اما در همان حال، طنز هادی خانیکی وضعیت سوژه‌های از‌حال‌رفته و ناامید و دنیاگسیخته را شالوده‌شکنی می‌کند. به فرد ازجهان‌گسیخته نشان دهد که چندان هم که خیال می‌کند، امور و شخصیت‌ها و موقعیت‌ها توخالی نیستند. فرصت‌های ناچیز را چیز می‌کند و روزنه‌های باریک را گشوده می‌نمایاند. طنز هادی خانیکی سویه خالی لیوان را به مدعی پرمدها نشان می‌دهد و سویه پر کاشی گفته خود را چنین ادامه می‌دهد: طنز هادی خانیکی از سنخ شالوده‌شکنی‌هایی نیست که همه چیز را بی‌اعتبار می‌کند و خواننده خود را در میدانی از هستی‌های پوک یاری دهد می‌کند. دقیقاً همان طنز می‌تواند در جهانی که همه‌چیز مثل همه‌چیز به نظر می‌رسد و معناها از‌دست‌رفته به نظر می‌رسند، روزنه‌های امید بکشد. سویه‌های باریک تعالی و شکوه را در میدانی از ویرانی‌های شگرف برجسته کند. او همان‌قدر سازه‌های بارکارانه مدعی شکوه را به سخره می‌گیرد که احساس ویرانی و شکست و پایان را.

کاشی در ادامه می‌گوید: خانیکی به کار بازسازی جهان مشترک از‌دست‌رفته می‌آید. با تماشای او می‌توان به دست‌ترهای اولیه بازسازی جهان مشترک اندیشید. همه قطعات خرده‌شده جهان مشترک را باید دوباره در میدان شهر جمع کرد. به همه باوراند که همگان مجرم‌اند. مردم و دولتمردان و روشنفکران، همه در ویرانی یک جهان مشترک زندگی هم‌داستان بوده‌اند. باین‌همه آنها را دلداری داد، از این جهت که آن جهان مشترک کاستی‌های بنیادین داشته است. شاید ویرانی‌های جهان مشترک، ناگزیر بوده است؛ اما حال زمان بازآفرینی یک جهان مشترک جدید است. جهانی که به‌هیچ‌رو ما را بی‌نیاز از قطعات بازمانده جهان مشترک پیشین نمی‌کند.

روایت‌هایی از دوستی، کنشگری مدنی و زندگی چندساختی
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فامیل ایرانی‌ها می‌خواند.

ادامه در صفحه ۱۳
سخنران بعدی مسجد جامع‌ی است که گفته خود را با یادآوردی خاطره‌ای شروع می‌کند: اولین‌بار که به کلمه «خانیک» حساس شدم، زمانی بود که دو رئیس‌جمهور با هم گفت‌وگو می‌کردند. رئیس‌جمهور قرقیزستان که از قهرمان ملی «ماناس» به آقای خاتمی می‌تفت که ماناس مانند رستم ایرانیان است. در نزد ماناس یک زن ایرانی است که اهل حکمت است، به نام خانیکه؛ او ماناس را فام